

آنچه ما را تهدید می‌کند

سیاسی



● دکتر حسن تلاشان

اشاره

چه چیزهایی ما را تهدید می‌کنند؟ این سوال شاید بارها و بارها برای هر کس پیش آمده باشد. اما آن چه در آینده و ۲۰ سال بعد، نظام و انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند، چیزی نیست که

فقط در ذهن پیش آید و برای آن دغدغه واقعی وجود نداشته باشد. دکتر حسن تلاشان، استاد دانشگاه و متخصص در علم سیاست، به آفت‌ها و خطرانی که از درون، نظام اسلامی را تهدید می‌کنند، اشاره کرده است.

بر اساس تئوری‌های ثابت شده، انقلاب‌ها توسط تهدیدات خارجی شکست نخواهند خورد. آنچه می‌تواند یک انقلاب را دچار شکست و اضمحلال کند، عوامل داخلی است؛ برای نمونه، تهاجم وسیع نظامی قدرت‌های بزرگ خارجی علیه انقلاب‌های فرانسه و روسیه، نه تنها موجب شکست این دو انقلاب نشد، بلکه بسیج بیش از پیش مردم علیه قدرت‌های خارجی و در نهایت شکست کامل آنها را در پی داشت. در انقلاب فرانسه، هجوم مردم به طرف جبهه‌های جنگ آنچنان گسترده بود که حکومت، امکان تجهیز آنها به یک تفنگ ساده را نداشت. بعد از تهاجم وسیع صدام به سرزمین ایران که با حمایت کامل و همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ انجام گرفت، مردم ایران برای دفاع از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی کشور، با یک بسیج همگانی به جبهه‌ها هجوم بردند تا اینکه بالاخره توانستند دشمن را از سرزمین خود خارج و انقلاب اسلامی را حفظ کنند.

بنابر این، تهدیدات خارجی تا زمانی که با آسیب‌ها و نقاط ضعف داخلی همراه نشود، امکان نتیجه‌بخش بودن آن وجود ندارد. به همین جهت باید به آسیب‌ها و ضعف‌های داخلی توجه کرد. حضرت امام «ره» رمز تداوم انقلاب را در وحدت کلمه و اتکال به خدا می‌دانستند؛ در صورتی که در قبال تهدیدات کاخ سفید، معتقد بودند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. با توجه به این بیانات، می‌توان نتیجه گرفت که ایشان نیز توجه خاص به نقاط ضعف و قوت داخلی داشتند. اگر بنا باشد تهدیدات خارجی مؤثر واقع شود، با استفاده از نقاط ضعف داخلی مکان‌پذیر خواهد بود.

یکی از تهدیدات اساسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، جد شدن مردم از انقلاب اسلامی یا دست کم بی‌اعتنایی قاطبه مردم به

این نظام است. در صورتی که این موضوع محقق شود، بدون تردید دشمنان خارجی لحظه‌ای برنی‌وارد کردن ضربه‌های هولناک به این نظام درنگ نخواهند کرد. در چنین اوضاعی، مسؤلان یا باید به پیمانه حفظ جاه و مقام خود تسلط خنثی بر ایران را بپذیرند و به صورت عوامل دست‌نشانده آنها عمل کنند و در نتیجه، شکست و اضمحلال نظام را شاهد باشند، و یا باید نقاط ضعف خود را بر طرف و به پشتوانه بسیج مردمی، دشمن را زمین‌گیر سازند و انقلاب و نظام را از دستبرد دشمنان حفظ کنند. یکی از دلایل اصلی پیروزی سریع و آسان کودتای ۲۸ مرداد و تسلط آمریکا بر ایران، بی‌اعتنایی مردم نسبت به حوادث و وقایع آن روزها بود. در حال حاضر، اقدامات و عملکرد بعضی از مسؤلان نظام، زمینه بی‌اعتنایی دسته‌ای از مردم یا جد شدن آنها از نظام را فراهم ساخته است. این نگرانی وجود دارد که این روند، شتاب بیشتری به خود بگیرد. عدم توجه به این مهم، از مهم‌ترین تهدیدات یکی دو دهه آینده محسوب می‌شود. از جمله عوامل زمینه‌ساز جدایی مردم یا حداقل بی‌اعتنایی آنها نسبت به نظام عبارتند از:

۱. بی‌توجهی به خواسته‌های مردم

یک سیستم برای مدت طولانی نمی‌تواند نسبت به نیازها و خواسته‌های مردم بی‌توجه باشد. در صورتی که تصمیمات اتخاذ شده برای مدت طولانی منطبق بر خواست مردم نباشد، نظام دچار «بار اضافی» خواهد شد. سیستمی که با بار اضافی مواجه شود، دچار بحران خواهد شد. توالی بحران می‌تواند به اضمحلال نظام موجود بینجامد. در این اوضاع، بعضی از نظام‌های سیاسی به سرکوبی مردم می‌پردازند تا از نابودی نظام جلوگیری به عمل آورند. هر چند این اقدام ممکن است برای مدتی مؤثر واقع شود؛ ولی اضمحلال، سرنوشت قطعی و ناگزیر

تهدیدات خارجی تا زمانی که با آسیب‌ها و نقاط ضعف داخلی همراه نشود، امکان نتیجه‌بخش بودن آن وجود ندارد. به همین جهت باید به آسیب‌ها و ضعف‌های داخلی توجه کرد

مردم در روزهای سخت چشم امید داشت و چه بسا آنان با اقدامات اعتراض‌آمیز، خواستار تغییر وضع موجود شوند.

۴. جدا شدن مردم از مسوولان

جدا شدن صاحب‌منصبان از مردم، به عدم درک صحیح از اوضاع، مشکلات، نیازها و خواسته‌های مردم خواهد انجامید. در این حالت، تصمیم‌گیری‌ها نیز قرین سخت نخواهد بود؛ زیرا برای تصمیم‌گیری صحیح و مؤثر، به آگاهی‌های دقیق، کامل و درست نیاز است. در غیر این صورت، نمی‌توان بر اساس وضعیت‌ها و مقتضیات مکانی و زمانی تصمیم‌گیری کرد.

۵. عدم وجود رفاه نسبی

وظیفه هر حکومتی است که جهت پاسخگویی به نیازهای مادی، امکانات را برای ایجاد رفاه نسبی شهروندان خود فراهم سازد. نظام اسلامی ایران نیز از این قاعده، مستثنا نیست. به طور طبیعی، حکومتی که نتواند به این مهم جامه عمل بپوشاند، دچار مشکل خواهد شد. هرگاه شهروندانی وجود داشته باشند که از تهیه قوت لایموت خود ناتوان باشند، مسوول و مقصر اصلی آن، حاکمان هستند. در صورتی که این فقر، عمیق و گسترده شود، شهروندان خواستار تغییر وضع موجود خواهند شد. به طور کلی می‌توان اذعان کرد که فقر، یکی از تهدیدهای داخلی است که برای فائق آمدن بر آن، باید تدابیر مؤثری اندیشید.

آن چه در این نوشته آمد، عوامل تسریع بی‌اعتنایی و جدایی مردم از انقلاب و نظام است که یکی از مهم‌ترین تهدیدات پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس برای جلوگیری از عملی شدن این تهدید، باید با به کار بستن تدابیر صحیح، مؤثر و به موقع، مانع تحقق زمینه‌های مذکور شد.

حاکمانی است که هیچ توجهی به خواست و اراده ملی ندارند.

۲. توجه مسوولان به زخارف دنیا و ثروت‌اندوزی

قاطبه حامیان انقلاب، از طبقات متوسط جامعه بوده و هستند. برای مردم پذیرفتنی نیست که کسانی که همواره آنها را به قناعت و دوری از ظرف دنیا توصیه می‌کردند، دارای زندگی پرزرق و برق و تجملاتی باشند. عدم تطبیق قول و عمل حاکمان نه تنها باعث رویگردانی مردم از نظام خواهد شد، بلکه تضعیف ایمان دینی آنها را نیز به دنبال خواهد داشت. این در حالی است که بسیاری از مشکلات اجتماعی، ناشی از ضعف ایمان است. علاقه و گرایش مسوولان به داشتن خانه‌های مجلل چند میلیاردی، ویلاهای بیلاقی بنشکوه، ماشین‌های سواری بسیار گران‌قیمت که نه تنها برای برخی دلرباست بلکه ایمان متزلزل عده‌ای را نیز بر باد فنا می‌دهد و...، از جمله مواردی است که می‌تواند به جدا شدن مردم از نظام حاکم بینجامد. در حالی که مهم‌ترین منبع قدرت انقلاب اسلامی ایران، حمایت‌های گسترده مردمی است.

۳. تبعیض اجتماعی

احساس اینکه عدالت اجتماعی وجود ندارد - چه درست و چه نادرست - از جمله موارد آسیب‌های اجتماعی است. حکومتی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد، که مسائل آن از طریق مجاری قانونی و براساس ضوابط مشخص حل و فصل شود. جایگزینی روابط به جای ضوابط، اخذ امتیازات گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... براساس وابستگی‌های سببی و نسبی برای حاکمان و صاحب‌منصبان، اجرای کامل قانون برای ضعقای جامعه و قانون‌گریزی صاحبان زر و زور و متعلقان به آنها، شکاف عمیق بین اغنیا و فقرا، از جمله تبعیضاتی است که در سال‌های آینده می‌تواند به صورت یک چالش جدی در مقابل نظام مطرح شود. در صورت گسترش تبعیض، به طور قطع نمی‌توان به کمک